

# نامگ: مختصری در ریشه‌شناسی و معنی‌شناسی

نیما جمالی

دانشجوی دکتری تمدن‌های خاورمیانه و خاور نزدیک، دانشگاه تورنتو

نامگ /nāmag/ (هزوارش آن: <sup>۱</sup>MGLTA) واژه‌ای است که در زبان‌های فارسی میانه زرتشتی و مانوی باقی مانده است.<sup>۲</sup> صورت باستانی آن را می‌توان \*nāmanka، متشکل از دو جزء nāman به معنای نام و پسوند -ka دانست که پسوند اسم‌ساز است. منتها، از آنجا که اولاً این کلمه در هیچ‌یک از زبان‌های دوره باستانی باقی نمانده، ثانیاً چون که نه n نهایی nāman در نامگ آمده است و نه جبران آن، باید تاریخ پیدایش این کلمه را دوره میانه زبان‌های ایرانی

<sup>۱</sup> هزوارش کلمه‌ای بوده است که صورت آرامی‌اش نوشته، اما صورت ایرانی میانه‌اش خوانده می‌شده است. بنگرید به ژاله آموزگار یگانه و احمد تفضلی، *زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن* (تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۲)، ۶۰-۶۱.

<sup>۲</sup> دیوید نیل مکنزی، *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳)، ۱۰۹؛

Desmond Durkin-Meisterernst, *Dictionary of Manichean Middle Persian and Parthian* (Turnhout: Breplos, 2004), 238.

Nima Jamali, "Namag: A Concise Etymology and Semantic," *Iran Namag*, Volume 2, Number 3 (Fall 2017), 3-9.

نیما جمالی <nima.jamali@mail.utoronto.ca> دانشجوی دکتری زبان‌های سامی در دپارتمان تمدن‌های خاورمیانه و خاور نزدیک دانشگاه تورنتو است. پیش از این مقاله "یک جنایت باستانی: مرور مختصر یک لوحه سومری" و ترجمه مقاله "گورش کبیر پارسی: تصورها و واقعیت‌ها" نوشته املی کورت از او منتشر شده است.

دانست.<sup>۳</sup> به عبارت دیگر، نامگ صورت باستانی ندارد و در دوره میانه، از دو جزء nām و پسوند -ag، ساخته شده است.<sup>۴</sup> ظاهراً کهن‌ترین ضبط کلمه در ۴ کتیبه کردیر، متعلق به نیمه دوم قرن سوم میلادی، آمده باشد؛ یعنی سندی قدیمی‌تر که حاوی کلمه‌ی نامگ باشد به دست ما نرسیده است. نامگ در این ۴ کتیبه مجموعاً ۱۱ بار به کار رفته است.<sup>۵</sup> این تعدد موارد استفاده نشان می‌دهد که نامگ در آن تاریخ واژه‌ای پذیرفته‌شده در زبان فارسی میانه بوده و لاجرم از پیدایشش در آن زمان مدتی نه چندان کوتاه گذشته بوده.

نامگ سه معنای اصلی دارد: ۱. مطلق مکتوب همچون کتاب و هر چیزی که نوشته شده باشد، ۲. سند، ۳. مراسله.

### ۱. نامگ در معنای مکتوب

در باب پانزدهم فرهنگ پهلوی که مجموعه‌ای است از هزوارش‌ها و املاهای دشوار فارسی میانه زرتشتی،<sup>۶</sup> نامگ را معادل کلمه آرامی כתיב /ketiv/ (در عربی کتیب، در سریانی ܟܬܝܒ) دانسته‌اند. کلمه آرامی به معنای نوشته، کتاب و هر چیز مکتوب دیگری است.<sup>۷</sup> در سطر ۲۲ کتیبه کردیر در نقش رجب چنین می‌خوانیم:

22. ... um ēn nāmag ēd-iz rāy nibišt kū...

<sup>۳</sup> زبان‌های ایرانی را از لحاظ زمانی در سه دوره قرار می‌دهند: از آغاز تا سال ۳۳۱ ق م و یورش اسکندر دوران باستان است. از ۳۳۱ ق م تا ۸۶۷ م، سال به سلطنت رسیدن یعقوب لیث صفاری و رسمی شدن زبان فارسی دری، دوره میانه است و پس از آن دوره جدید. بدین ترتیب، حیات زبان فارسی نیز به سه دوره باستان، میانه و جدید تقسیم می‌شود. فارسی باستان، زبان کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی، نیای فارسی میانه زرتشتی یا پهلوی است که خود نیای زبان فارسی دری است. در اینجا فارسی دری را، که زبانی است که این مقاله به آن نوشته شده است، به دو دوره کلاسیک، از ۶۳۰ م تا ۱۹۰۶ م (سال انقلاب مشروطه)، و فارسی معاصر، از آن تاریخ به این سو، تقسیم کرده‌ام تا تحول معنایی واژه را در طول تاریخ زبان فارسی دری دقیق‌تر نشان دهم. برای آگاهی از تاریخ زبان فارسی بنگرید به محسن ابوالقاسمی، *تاریخ زبان فارسی* (تهران: سمت، ۱۳۹۴).

<sup>۴</sup>Henrik Samuel Nyberg, *A Manuel of Pahlavi* (Wiesbaden: Otto Harrassowitz, 1974), vol. 2, 135.

<sup>۵</sup>Philippe Gignoux, *Glossaire des Inscriptions Pehlevies et Parthes* (London: Lund Humphries, 1972), 30.

<sup>۶</sup>احمد تفضلی، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار (تهران: سخن، ۱۳۷۶)، ۳۲۱.

<sup>۷</sup>Henrik Samuel Nyberg, *Farhan ī Pahlavik* (Wiesbaden: Otto Harrassowitz, 1988), 12.

۲۲... و این نامه را نیز نوشتم که ...<sup>۸</sup>

نامگ در اینجا در معنای نوشته آمده است.

در معنای کتاب هم نامگ در نام چند کتاب فارسی میانه زرتشتی آمده است: *ارداویرازنامگ* و *جاماسپنامگ* که باقی مانده‌اند.<sup>۹</sup> نامگ در نام کتاب‌های دیگری که اصلشان از دست رفته نیز آمده است: *خودای‌نامگ* (xwadāy-nāmag)، *طوطی‌نامگ*، *اسکندرنامگ*، *سندبادنامگ* و *اونگ‌نامگ* (ēwēnag-nāmag) لفظاً؛ آیین‌نامه).<sup>۱۰</sup> نامگ همچنین در همین معنا در ترکیب کارنامگ در عنوان کتاب مهم *کارنامگ اردشیر پاپکان* نیز آمده است.<sup>۱۱</sup> ترجمه تحت‌اللفظی آن نام چنین است: کتاب اعمال اردشیر پسر بابک. همچنین، در *مادیان هزاردادستان*<sup>۱۲</sup> به نام کتاب‌های حقوقی از دست‌رفته‌ای برمی‌خوریم که طرف استناد مؤلف آن کتاب بوده‌اند: *دادستان‌نامگ*،<sup>۱۳</sup> *مستبارنامگ*<sup>۱۴</sup> (mustbār-nāmag) لفظاً؛ *تظلم‌نامه*، *خویشکاری‌نامگ موبدان*<sup>۱۵</sup> (xwēškārīh-nāmag ī mowbadān)، *خویشکاری‌نامگ کارفرمایان*<sup>۱۶</sup> (xwēškārīh-nāmag ī kārframān).

نامگ غیر از جزیی از عنوان کتاب‌های خاص، در معنای عام برای نامیدن نوع مشخصی از مکتوبات نیز به کار رفته است. مثلاً در *مادیان هزاردادستان* ترکیباتی را نظیر *پرسش‌نامگ*<sup>۱۷</sup> (pursišn-nāmag) در معنای صورت‌جلسه بازجویی و

<sup>۸</sup>Philippe Gignoux, *Les Quatre Inscriptions du Mage Kirdīr* (Paris: Association pour l'Avancement des Études Iraniennes, 1991), 36.

<sup>۹</sup>تفضلی، *تاریخ ادبیات*، ۱۶۷ و ۱۷۳.

<sup>۱۰</sup>تفضلی، *تاریخ ادبیات*، ۲۶۹، ۳۰۴، ۲۹۹ و ۲۴۵.

<sup>۱۱</sup>تفضلی، *تاریخ ادبیات*، ۲۶۰.

<sup>۱۲</sup>تفضلی، *تاریخ ادبیات*، ۲۸۶.

<sup>۱۳</sup>برای آگاهی از محتوای *مادیان هزاردادستان* -مختصراً برای بخش اول MHD و برای بخش دوم MHDA- بنگرید به

Maria Macuch, *Das Sasanidische Rechtsbuch "MĀDAYĀN Ī HAZĀR DĀDESTĀN"* (Wiesbaden: Deutsche Morgenländische Gesellschaft, 1981), Teil 2; Maria Macuch, *Rechtskasuistik Und Gerichtspraxis Zu Beginn Des Siebenten Jahrhunderts in Iran: Die Rechtssammlung Des Farrohmard I Wahrāmān* (Wiesbaden: Harrassowitz, 1993); Anahit Perikhanian, *The Book of a Thousand Judgements: A Sasanian Law-book*, trans. Nina G. Garsoian (Costa Mesa: Mazda, 1997); MHD, 11-2, 36, 2.

<sup>۱۴</sup>MĀDAYĀN Ī HAZĀR DĀDESTĀN, A5, 11.

<sup>۱۵</sup>MĀDAYĀN Ī HAZĀR DĀDESTĀN, A26, 15.

<sup>۱۶</sup>MĀDAYĀN Ī HAZĀR DĀDESTĀN, A38, 16-17.

<sup>۱۷</sup>MĀDAYĀN Ī HAZĀR DĀDESTĀN, 78, 4-5, 7, 14, 15; 98, 4; 100, 7, 11 etc.

سخن‌نامگ<sup>۱۸</sup> (saxwan-nāmag) در معنای صورت‌جلسه دادگاه، هشت‌نامگ<sup>۱۹</sup> (hišt-nāmag) در معنای طلاق‌نامه و یزش‌نامگ<sup>۲۰</sup> (yazišn-nāmag) در معنای صورت‌جلسه انجام مراسم و می‌توان یافت. همچنین، در آن کتاب به نامگ‌دان<sup>۲۱</sup> (nāmag-nīdān) به معنای بایگانی برمی‌خوریم.

## ۲. نامگ در معنای سند

در *مادیان هزار/دستان* نزدیک به ۲۰ بار نامگ در معنای مکتوبی دارای ارزش حقوقی آمده است. مثلاً در بندی از آن کتاب می‌خوانیم:  
Ud ān-ī guft kū ka gōwēd kū-m ēn wizīr ō tō dād ēg-iš gil ud nāmag dād bawēd.

و آن گفته شده که اگر گوید که ”این قباله را به تو می‌دهم.“ پس گِل (مهر) و نامه را داده باشد.<sup>۲۲</sup>

## ۳. نامگ در معنای مراسله

کتابی موسوم به *آیین‌نامه‌نویسی* (پهلوی: *Abar ēwēnag ī nāmag nibēsišnīh*) احتمالاً از اواخر دوره ساسانی باقی مانده است.<sup>۲۳</sup> کتاب مطابق عنوانش حاوی الگوهای گوناگون مراسله است. این کتاب چنین آغاز می‌شود:  
Nūn nibēšīhēd pad sazīd nibišt nāmag-ē ō kas kas xwadāyān...

اکنون نوشته می‌شود، نوشته‌ای سزاوار، نامه‌ای به یکایک خداوندان . . .  
همچنین، در بند ۱۸ آمده است:

Nāmag pad bēš pūrsišnīh hunsandīh dādan...

نامه برای غمگساری، تسلیت . . .<sup>۲۴</sup>

<sup>18</sup>MĀDAYĀN Ī HAZĀR DĀDESTĀN, 4, 8; 9, 7; 73, 12-14 etc.

<sup>19</sup>MĀDAYĀN Ī HAZĀR DĀDESTĀN, 87, 10.

<sup>20</sup>MĀDAYĀN Ī HAZĀR DĀDESTĀN, A13, 7; A27, 8.

<sup>21</sup>MĀDAYĀN Ī HAZĀR DĀDESTĀN, 78, 12-13.

<sup>22</sup>MĀDAYĀN Ī HAZĀR DĀDESTĀN, A34, 2-3.

<sup>23</sup>تفضلی، *تاریخ ادبیات*، ۲۹۴.

<sup>24</sup>Jamaspij Dastur Minocherji Jamasp-Asana, *Corpus of Pahlavi Texts* (Bombay, 1913), 132 and 135.

همچنین، در کارنامه اردشیر بابکان آمده است:

27. uš nāmag ō pāpak kard kū amā ēdōn ašnūd kū ašmā rāy pus-ē ast  
ī abāyišnīg pad frahang ud aswārīh abēr frahixtag.<sup>۲۵</sup>

۲۷. و نامه به پاپک کرد که ما ایدون شنیدیم که شما را پسی هست که بایسته،  
به فرهنگ و اسواری بسیار فرهیخته.<sup>۲۶</sup>

### نامگ در فارسی دری

پسوند ag- ایرانی میانه که خود بازمانده aka- ایرانی باستان است، در گذر به فارسی دری g نهایی خود را از دست داده و در گویش‌های متفاوت به اشکال فتحه یا کسره تبدیل شده است.<sup>۲۷</sup> از این رو، نامه صورت فارسی دری نامگ فارسی میانه است. از لحاظ معنی‌شناسی، نامه هر سه معنای نیای خود را حفظ کرده است.

### ۱. نامه در معنای مکتوب

در عناوین کتاب‌های مشخصی همچون شاهنامه، مرزبان‌نامه، مصیبت‌نامه، اسرارنامه، گشتاسب‌نامه، سیاست‌نامه، نوروزنامه و مانندشان آمده است. همچنین، برای اشاره به نوع مشخصی از مکتوبات هم از نامه استفاده می‌شود: فرس‌نامه، بازنامه، فتوت‌نامه، ساقی‌نامه، خواب‌نامه، سفرنامه و مانند اینها. نامه در این معنا از پرکاربردترین واژه‌ها برای برساختن کلمات جدید در فارسی معاصر است: فیلم‌نامه، نمایش‌نامه، نظام‌نامه، پایان‌نامه، اساس‌نامه، لغت‌نامه، دانش‌نامه، اجازه‌نامه، دعوت‌نامه، بخش‌نامه، آیین‌نامه، جشن‌نامه، یادنامه، شناخت‌نامه، شب‌نامه، شیوه‌نامه و مانندشان. همچنین، نامه اخیراً در عنوان بخشی از فصول کتاب هم به کار می‌رود: نام‌نامه و کتاب‌نامه. در عناوین بعضی متون روایی و نمایشی فارسی معاصر، ملهم از عناوین کتب قدما، نامه در معنای حکایت یا داستان آمده است: عارف‌نامه یعنی داستان عارف و نه کتاب مستقلی درباره عارف قزوینی.<sup>۲۸</sup> همچنین اند فتح‌نامه مغان (داستان فتح

<sup>۲۵</sup> آوانویسی برگرفته از محسن ابوالقاسمی، راهنمای زبان‌های باستانی ایران (تهران: سمت، ۱۳۸۶)، جلد ۱، ۲۲۵.

<sup>۲۶</sup> ترجمه برگرفته از ابوالقاسمی، راهنمای زبان‌های باستانی ایران، ۲۳۱.

<sup>۲۷</sup> محسن ابوالقاسمی، دستور تاریخی زبان فارسی (تهران: سمت، ۱۳۹۴)، ۳۲۵.

<sup>۲۸</sup> محمدجعفر محجوب، دیوان کامل ایرج‌میرزا (تهران: نشر اندیشه، ۲۵۳۶ شاهنشاهی/۱۳۵۶ش)، ۷۵-۹۶.

مغان)،<sup>۲۹</sup> گنج‌نامه (داستان گنج).<sup>۳۰</sup>

نامه همچنین برای اشاره به جراید دوره‌ای به کار می‌رود. در این معنا به طول دوره انتشار جریده می‌پیوندد: روزنامه، هفته‌نامه، دوهفته‌نامه، ماهنامه، فصلنامه، دوفصلنامه، سالنامه و گاهنامه.

نامه، خارج از ترکیباتی اینچنین، در معنای کتاب در فارسی کلاسیک آمده است:

یکی نامه بود از گه باستان

فراوان بدو اندرون داستان<sup>۳۱</sup>

این معنا در فارسی امروز متروک شده است.

## ۲. نامه در معنای سند

نامه در فارسی دری برای اشاره به نوشته‌ای به کار می‌رود که ارزش حقوقی دارد. در این معنا، به عنوان عقد یا عمل یا وضع حقوقی‌ای منضم می‌شود که در آن نوشته درج شده است: اجاره‌نامه، وصیت‌نامه، وکالت‌نامه، عقدنامه، طلاق‌نامه، بیمه‌نامه، گذرنامه، گواهی‌نامه، شهادت‌نامه، رضایت‌نامه، عهدنامه، پیمان‌نامه، مقاوله‌نامه، بیع‌نامه، صلح‌نامه، دادنامه، بارنامه، وقف‌نامه، شناسنامه و مانند اینها.

## ۳. نامه در معنای مراسله

استعمال نامه به صورت مجزا در معنای کتاب در فارسی امروز متروک شده است. مراسله در فارسی امروز یگانه معنای نامه است، وقتی که مجزا و بیرون ترکیب به کار می‌رود. این معنا در فارسی کلاسیک نیز وجود داشته است:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر

نامه اهل خراسان به بر خاقان بر

<sup>۲۹</sup> هوشنگ گلشیری، نیمه تاریخ ماه (تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۸۰)، ۳۱۱-۳۳۶.

<sup>۳۰</sup> گلشیری، نیمه تاریخ ماه، ۵۱۷-۵۳۲.

<sup>۳۱</sup> ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق (تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶)، جلد ۱، ۱۲.

نامه‌ای مطلع آن رنج تن و آفت جان  
نامه‌ای مقطع آن درد دل و سوز جگر  
نامه‌ای بر رقص آه عزیزان پیدا  
نامه‌ای در شکنش خون شهیدان مضمراً<sup>۳۲</sup>

---

<sup>۳۲</sup> محمدتقی مدرس رضوی، دیوان/نوری (تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۶)، جلد ۱، ۲۰۱.